

میدون و سوفیا

اکبر عبدی و علیرضا خمسه و...



پوریا عالمی

- سلام سوفیا!

همه می‌دانند ما طرفدار پروپاقرص اکبر عبدی، علیرضا خمسه و نمایندگان امید هستیم. عشق است دیگر. کاریش نمی‌شود کرد!

در رابطه با همین احساس خجسته و در راستای اثبات اینکه چرا باید امیدی‌ها را دوست داشت، نمازی، عضو کارگزاران سازندگی گفته: «نظر حزب کارگزاران به‌هیچ‌وجه این نیست که جبهه‌ای در تقابل با شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان ایجاد شود. عارف اخیرا درباره اینکه شورای سیاست‌گذاری از سوی اصلاح‌طلبان در حال لطمه‌خوردن است، ابراز ناراحتی کرده است. فارغ از این ابراز گلایه‌ها، من معتقدم اگر آقای عارف می‌خواهد با مجموعه شورا همانند روزهایی که این شورا را انسجام قابل‌قبولی برخوردار بود کار کند، باید از برخی انتظارات خود عدول کرده و بپذیرد که شورای سیاست‌گذاری با محوریت آقای خاتمی به کار خود ادامه دهد. عارف انتظار دارد که نقشش در شورای سیاست‌گذاری بیش از امروز باشد و خلاصه ایشان از موقعیت کنونی‌اش در شورا راضی نیست».

یک‌بار دیگر با حوصله بخوان که این عضو شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان چه گفته تا تو هم مثل من بغض کنی و باز رای بدهی! الکی!

دغدغه‌های یک آموزگار

دانش آموزان و پژوهش تازه درباره درخت‌کاری



محمد رضا نیک‌بخت‌آد

● چندی پیش در رسانه‌های جهانی خبری منتشر شد که امیدهایی تازه برای نجات زمین و رویارویی با گرمایش آن پدید آورد. بر پایه این خبر، اگر به دو میلیارد مترمربع مساحت پوشیده از درخت کنونی کره زمین، یک میلیارد دیگر افزوده شود، می‌توان امیده بود دوسوم کرین تولیدی کنونی جذب شده و زمین از پیامدهای خطرناک این گاز- که مهم‌ترین گرمایش است- در امان ماند. این پژوهش که گسترده‌ترین در نوع خود است، یادآور می‌شود این تلاش باید در کنار دیگر کوشش‌های محیط‌زیستی از جمله پایبندی کشورها به کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای، از جمله افزایش دیوانه‌وار کربن باشد. یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش آن است که هر فرد در هر کجای کره زمین با کمی اطلاعات از جمله آگاهی از نوع درختان بومی در هر منطقه می‌تواند در این کار سهیم باشد. این پژوهش میانکین هزینه کاشت هر درخت در جهان را ۳۰ سنت- با بهای کنونی دلار، کمتر از چهار هزار تومان- برآورد می‌کند. پژوهش تازه می‌تواند نقشه راهی برای افزایش کنش‌های وابسته به محیط زیست در گستره عمومی و اثرگذاری بیشتر آنها به‌ویژه در آموزش و پرورش، به عنوان مهم‌ترین و گسترده‌ترین نهاد عمومی کشورها، شود. در ایران نهاد آموزش به شکل ساختارمند کمتر تلاشی در راستای افزایش آگاهی‌های دانش آموزان برای نگهداشت و نگهداشت زیست‌بوم ندارد و اندک تلاش‌ها در این زمینه هم به‌شدت ناکام است؛ در کتاب‌های درسی دوره‌های دبستان و متوسط اول، به‌ویژه در درس علوم تجربی، درون‌مایه‌هایی برای افزایش آگاهی‌ها در راستای حفظ محیط زیست وجود دارد اما چون این درون‌مایه‌ها با اندیشه و عمل و احساس نواآموزان گره نمی‌خورد، اثری جدی بر آنها نمی‌گذارد و در بسیاری از آنان نهادینه نمی‌شود. البته پیش از نهاد آموزش، خانواده‌ها می‌توانند این روند را هموارتر کنند اما شوربختانه پدر و مادرها نیز افزون بر گرفتاری‌های شدید اقتصادی و روزمره، پرورش‌یافته همین ساختار آموزشی- پرورشی هستند و بنابراین چندان امیدی برای اثرگذاری خانواده‌ها نیز باقی نمی‌ماند. اما پژوهش تازه در این زمینه امیدوارکننده است. تعداد دانش‌آموزان کشور نزدیک ۱۴ میلیون و شمار معلمان و دست‌اندرکاران آموزش نیز کمتر از یک میلیون است. اگر فقط همین ۱۵ میلیون نفر هر کدام یک درخت در محل زندگی خود- البته با راهنمایی کنشگران محیط‌زیستی منطقه- بکارند، بی‌گمان بخشی مهمی از سهم وظیفه ایران در این کنش ارزشمند جهانی ادا می‌شود و این می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. از دیگر سو، این حرکت آموزشی- پرورشی افزون بر رویکردهای آموزشی، نواآموزان را به توجه بیشتر به درخت و درخت‌کاری و نگهداشت آنها برمی‌انگیزد و حتی می‌تواند خانواده‌ها را نیز در راستای نگهداشت زیست‌بوم با آنان هماهنگ کند. برای هزینه چهار هزارتومانی کاشت درخت نیز می‌توان روی نهادهای دولتی و حاکمیتی از جمله سازمان محیط زیست به عنوان دستگاه مجری، مشارکت خانواده‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی خیرین حساب کرد. از دیگر سو، آغاز این کار در کشور ما می‌تواند الگویی برای دیگر کشورها شده و کمک شایانی به هدف‌ها و تلاش‌های محیط‌زیستی در جهان کند. امید است آموزش و پرورش و سازمان محیط زیست به عنوان دو نهاد اثرگذار در این زمینه همکاری و پیش‌نیازهای ضروری این پیشنهاد جهانی را فراهم کنند.

شترخوار

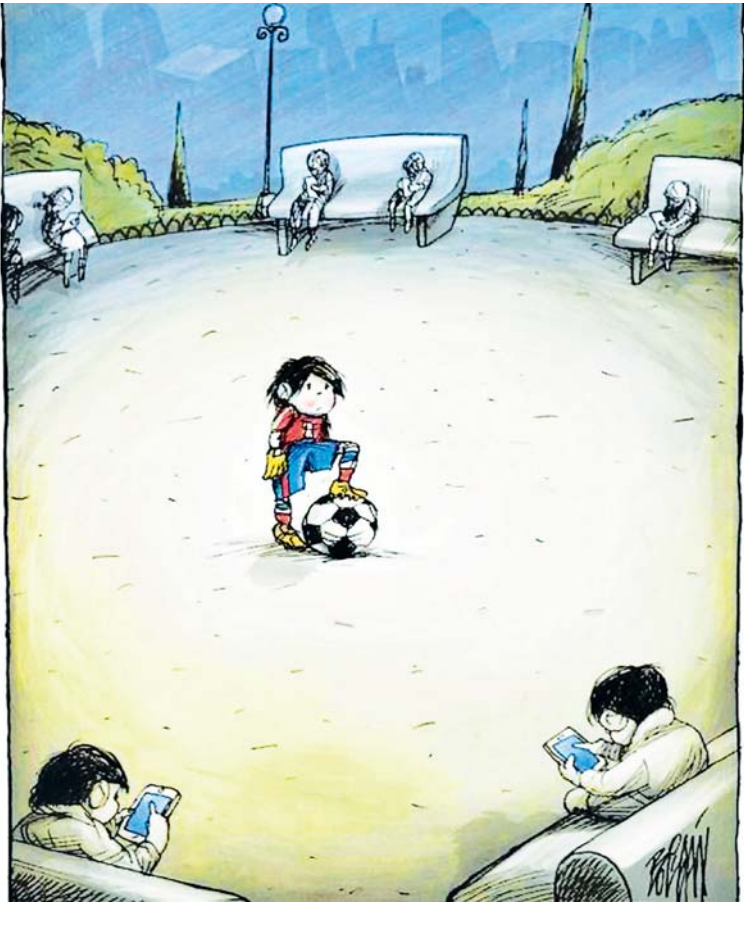
www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۸ « ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۴۰ » ۲۰ جولای ۲۰۱۹
سال شانزدهم « شماره ۳۴۷۹ » ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۸ • اذان صبح فردا ۴:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۰۴

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

آنجل بولیگان



پرنده آبی

چالش پیری

اگر این چند روز در شبکه‌های اجتماعی باشید، غیر از دادگاه نجفی، بحث انتخابات، ماجرای پهباد ایرانی یا اماراتی، آتش‌سوزی در حسن‌آباد، ماجرای بسته‌شدن پنجره‌ها و نقل و انتقالات استقلال و روز ایوجمی‌ها، با چهره‌ای جدید از دوستانتان روبه‌رو می‌شوید. خیلی کم پیش می‌آید که یک ترند قدیمی دوباره در صدر اخبار قرار بگیرد، اما این اتفاق برای اپلیکشن فیس‌آپ افتاده؛ محصولی از توسعه‌دهندگان روس که دو سال پیش به‌خاطر مهارت عجیب‌وغریزش در تغییر چهره افراد به یکی از محبوب‌ترین اپلیکشن‌های سال تبدیل شد. از دو سال پیش تا امروز، فیس‌آپ به‌روزرسانی‌های مختلفی دریافت کرده و قابلیت‌های جدیدی را اضافه کرده است، اما هیچ‌کدام در هفته اخیر به اندازه پیرکردن افراد جوان مورد استقبال قرار نگرفته‌اند. فیس‌آپ به لطف به‌کارگیری هوش مصنوعی می‌تواند چهره‌ها را به معنای واقعی به کمک دگرگون کند. به گزارش وبسلاگ یک پزشک در این هفته‌که چالش فیس‌آپ فراگیر شده، همه در اینستاگرام و توئیتر عکس‌هایی از خودشان اما پیرتر و سن‌تر منتشر کردند.



برخی از این عکس‌ها بسیار خوب ساخته شده و واقعی‌تر هستند، به‌طوری‌که با اولین‌بار دیدنشان شوکه می‌شویم و تصور می‌کنیم برای دوست یا یکی از آشناها اتفاقی افتاده است. در بهترین حالت تصور می‌کنیم صاحب ماشین زمان هستند و ۵۰ سال جلوتر رفته‌اند. به همین خاطر هم به چالش فیس‌آپ معروف شده و هیچ‌کس توان مقاومت در برابر آن را ندارد. البته عکسی که این اپلیکشن از چهره پیرشده جرج کلونی ارائه داده است با آنجیزی که در واقعیت هست تفاوت اساسی دارد و سبب شده تا بسیاری آنرا دلیل ایراد این اپلیکشن بدانند. به گزارش دیجیتو، کافیبست پس از نصب اپلیکشن، از خودتان یک سلفی بگیرید و حتما به اینترنت متصل باشید. فیس‌آپ پس از بارگذاری عکس، امکان تغییر چهره را در اختیارتان قرار می‌دهد که پیرکردن فقط یکی از آنهاست. کارهای جالب‌تری مثل آرایش چهره، تغییر رنگ مو، گذاشتن ریش و گذاشتن عینک دودی روی چهره افراد را هم می‌توانید با این اپلیکشن انجام دهید و حتی روی لب‌های آنها لیخن زورکی بنشانید!

فیس‌آپ در آخرین آپدیت‌هایی‌که دریافت کرده،

گرانی، تورم و بی‌پولی به‌ظاهر مهم‌ترین دغدغه و موضوعی است که این روزها مردم جامعه درگیر آن هستند. من پیرمردی محترم را می‌شناسم که وقتی برای خرید دو تا تی‌تاپ برای نوه‌هایش به مغازه مراجعه کرد، دست خالی بازگشت. از همکارم که در فیلم جدیدم با من همکاری می‌کند و مغازه‌دار است، پرسیدم مگر قیمت دو تی‌تاپ چقدر است؟ او گفت: دانه‌ای هزار تومان!



ابوالفضل جلیلی

کارگردان

جناب آقای محمد انصاری‌منش سلام در ابتدا بر خود فرض می‌دانم از زحمات و تلاش‌های ارزنده و روشنگرانه جناب‌عالی در بسط آگاهی، ترویج سرگرمی و تولید ۳۹ مجله که توسط شرکت محترم شما، «دانش فرهنگ مینو» منتشر می‌شود، قدردانی کنم. اما اجازه دهید به عنوان یک روزنامه‌نگار پرسش‌هایی از جناب‌عالی داشته باشم: طرح این سؤالات به‌هیچ‌روی نافی زحمات و تلاش‌های شما و تیم چندان نفرة تحریریه شما نیست و تنها پرسش‌هایی است برای روشنگری.

۱- می‌فرمایید شرکت شما ۳۹ مجله را با نظم و قاعده خاصی در قالب هفته‌نامه، دوهفته‌نامه و ماهنامه منتشر می‌کند؛ فرموده‌اید در مجموع ۱۵ ماه اخیر مؤسسه «دانش فرهنگ مینو» ۱۴۲۵شماره نشریه منتشر کرده است. نمی‌دانم یا نمی‌دانید مجله چیست یا تصویری از ۱۴۲۵ شماره مجله ندارید! یک روزنامه که هر روز منتشر می‌شود، با احتساب جمعه‌ها و تعطیلات رسمی تقریباً ۳۷۰ شماره را می‌تواند در ۱۵ ماه منتشر کند. پرسش این است مؤسسه شما با چه پشتوانه و قدرتی توانسته است تقریباً روزی چهار مجله منتشر کند؟

۲- انتشار روزی تقریباً چهار مجله حتی اگر تمامی مطالب آن هم «کپی‌پیست» باشد نیاز به یک تحریریه چاپک، حرفه‌ای و پرتعداد دارد. این تعداد مجله حتماً سردبیر، دبیران تحریریه، خبرنگاران و عکاسان فراوانی دارد که این قدرت را دارند که روزی چهار مجله تولید کنند. تمامی من از شما این نام سردبیران، دبیران، عکاسان و هیئت تحریریه این ۳۹ مجله را معرفی کنید. ۳- انتشار ۱۴۲۵ شماره نشریه در ۱۵ ماه نیاز به یک تیم قوی و حرفه‌ای هنری و گرافیکی دارد. صفحه‌آرایی‌که مثل ماشین کار کنند و روزی چهار مجله را برای انتشار آماده‌سازی کنند. لطف کنید آدرس حیوانات خانگی را هم تشخیص می‌دهد و این باعث شده که نسبت به رقبایش اپلیکشن بسیار جذابی باشد. پردازش تصاویر در فیس‌آپ به صورت آنلاین و در فضای ابری انجام می‌شود و برای این موضوع، لازم است که اپلیکشن به گالری تصاویر شما دسترسی پیدا کند، اما همین موضوع به معنای آلوده شدن یا از عوامل ناخانی که در مورد فیس‌آپ تبدیل شده، چراکه به گزارش بعضی کاربران، نسخه iOS اپلیکشن حتی در صورتی که دسترسی به گالری را به آن ندهید، باز هم می‌تواند به تصاویر شما دسترسی پیدا کند. در همین راستا یاروسلاو کونچاروف، مدیرعامل شرکت سازنده فیس‌آپ، سال گذشته به کاربران اطمینان‌خاطر داده بود که تصاویر این اپلیکشن بعد از پردازش، بلافاصله از سرورها پاک می‌شوند و همچنین به این موضوع اشاره کرده بود که فیس‌آپ برخلاف اپلیکشنی مثل Meitu، دسترسی‌های نامربوطی مثل موقعیت جغرافیایی را از کاربران طلب نمی‌کند که با یک بررسی ساده پیرشده جرج کلونی ارائه داده است با آنجیزی که در واقعیت هست تفاوت اساسی دارد و سبب شده تا بسیاری آنرا دلیل ایراد این اپلیکشن بدانند. به گزارش دیجیتو، کافیبست پس از نصب اپلیکشن، از خودتان یک سلفی بگیرید و حتما به اینترنت متصل باشید. فیس‌آپ پس از بارگذاری عکس، امکان تغییر چهره را در اختیارتان قرار می‌دهد که پیرکردن فقط یکی از آنهاست. کارهای جالب‌تری مثل آرایش چهره، تغییر رنگ مو، گذاشتن ریش و گذاشتن عینک دودی روی چهره افراد را هم می‌توانید با این اپلیکشن انجام دهید و حتی روی لب‌های آنها لیخن زورکی بنشانید!

فیس‌آپ در آخرین آپدیت‌هایی‌که دریافت کرده،

سلام به فردا

اندکی امید

که در حال فیلم‌ساختن هستیم، نسبت به دیگران و بقیه افراد بی‌تفاوتم. همین‌طور دیگران نیز نسبت به من بی‌تفاوت هستند. از کنار هم رد می‌شویم و مسائل و مشکلات همدیگر را نمی‌بینیم. به حرف‌های همدیگر گوش می‌کنیم اما نمی‌شنویم. به همدیگر نگاه می‌کنیم، به درد همدیگر نگاه می‌کنیم، اما نمی‌بینیم. شاید به همین دلیل من به سراغ «امید» و «صبر»، نیازهای گمشده این روزها، رفته‌ام. فیلم جدید من «در مسیر معکوس» فیلمی با موضوع امید، صبر، حوصله و موفقیت است. خود من به شرایط اجتماعی حاکم هیچ «امیدی» ندارم ولی از نظر شخصی، خیلی امیدوارم و معتقدم با امید می‌توان به زندگی بهتر و زیباتر ادامه داد.

درنگ

نامه‌ای به مدیرعامل «دانش فرهنگ مینو» و ۲ پرسش از «ارشاد»

تحقیر اعداد

دوست خوبم علی بزرگیان نتایجش را در قالب یک جدول منتشر کرد، او را به ورطه‌ای کشانده است که راه فراری از آن نیست؛ او خود ادعای کار رسانه‌ای دارد و می‌بایست به قواعد کار رسانه‌ای هم پایبند باشد؛ قواعدی که مهم‌ترینش شفافیت و روشنگری است.

۲ پرسش از ارشاد و سخنی با معاون مطبوعاتی که وارث یک ویرانه است

بخش مهم‌تری هم این داستان دارد، بخشی که به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و عملکردش در این مورد خاص بر می‌گردد. خیلی مزااحم مدیران وزارت فخمیه ارشاد نمی‌شوم و تنها دو مورد را با آنها در میان می‌گذارم:

۱- اصولاً فلسفه بارانه‌های مطبوعاتی چیست؟ به چه مجلات و نشریاتی با چه ملاک‌هایی باید بارانه یا کافز داند؟ کدام نشریات مشمول طرح شکسته‌شده «طرح خرید نشریات برگشتی» می‌شوند؟ خود این طرح که یکی از ایده‌های حسین انتظامی در زمان معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد بود به چه سرنوشتی دچار شد؟ حساب و کتابی در میان بود یا بارانه و پول و رانت این طرح در جیب امثال مدیر این ۳۹ مجله رفت؟ افرادی که نشریاتشان تنها برای ترمینال‌ها مناسب‌اند نه کتابخانه‌ها و مراکز که فلسفه‌فهی نشریات جدی از سوی ارشاد است. ارشاد مشخصاً به این پرسش پاسخ دهد که چرا یک میلیارد و هفتصد میلیون تومان در یک نوبت، ۶۲۳ میلیون تومان در نوبتی دیگر و ۳۱۱ تن کاغذ در برحمتی جداگانه به این شرکت داده است؟ آیا اصولاً برای ارشاد کیفیت نشریات مهم است یا خیر؟ اینکه نشریات در کیوسک‌ها و کتابفروشی‌ها عرضه شوند برای ارشاد مهم است یا برای ارشاد اصولاً کیفیت مهم نیست و به نشریات ترمینالی هم بارانه می‌دهد و حتی حمایت بیشتری از نشریات بی‌نام و نشانی می‌کند که کمتر کسی می‌تواند از آنها حساس‌ریز کند؟ حرف است دیگر، می‌گویند ۱۴۲۵ شماره نشریه در ۱۵ ماه منتشر کرده‌اند و ارشاد هم می‌گوید دم شما هم گرم بفرمایید این پول و این کاغذ!

۲- البته روی سخنم در این یادداشت با محمد خدادی که به بازی به معاونت مطبوعاتی ارشاد آمده نیست، او وارث ویرانه‌ایست که از پیشینیانش به او به ارث رسیده بود؛ این انتظار به حق ما از او این است که خیلی محکم و شفاف به این پرسنده رسیدگی و نتایجش را با افکار عمومی در میان بگذارد. من فقط این پرسنده خاص، بگوید سرنوشت طرح خرید نشریات برگشتی چه شد و پولش کجا رفت؟ اگر ایده درخشان بود، چرا متوقف شد و اگر طرحی شکسته‌شده بود که بود، چرا هیچ‌گاه اعلام شد که حساب و کتابش چه شد و چرا متوقف شد؟ آقای خدادی! ما از شما انتظار داریم، مبنای این انتظار ما را بی‌پاسخ نگذارید. منتظر می‌مانیم، امیدوارم شما هم به سان پیشینیانتان را توجه را در پیش نگیرید و یکبار برای همیشه بساط فساد و رانت را در معاونت مطبوعاتی جمع کنید.

اتفاق

نفر روزها و شب‌ها تلاش کردند، به گزارش ایسنا از دیلی‌میل: «ان دو پس از کام‌نهادن بر ماه پرچم آمریکا و یک پلاک را بر سطح ماه فرودکردند که روی آن نوشته شده بود: مردان سیاره زمین که برای نخستین‌بار بر ماه کام نهادند، جولای ۱۹۶۹ پس از میلاد». پس از جداشتن از آن دو من تنها بودم، البته تنها، چراکه سه مباران فرد در یک سمت از جهان و من در سمتی دیگر بودم. در آنجا احساس بسیار خوبی داشتم و هنگامی که در کابین فرماندهی بودم، یک قهوه داغ نیز خوردم». ۲۹ تیر نیز قرار است اتاق کنترل شماره ۲ مأموریت آپولو که با نام MOCR 2 هم شناخته می‌شود، به روی مردم گشوده شود. ناسا این بازسازی را به مناسبت ۵۰سالگی فرود انسان روی ماه، انجام داده است و بخشی از این بازسازی پنج‌میلیون‌دلاری را برعهده گرفته‌است. مقاله کاردین نیز مورد توجه قرار گرفته است که در آن از چند زنی که بدون آنها این فرود ممکن نبود، نوشته است. فرانسیس نورت تاک که اولین زن مهندسی بود که کنترل سفینه را برعهده داشت، مارگرت همیلتون و کاترین جانسون در کنار جیمی فلاورز کالیلین 1۱ساله دیگر زنان در این اتفاق مهم بودند.



آلدرین» و «مایکل کالینز» پرتاب شد و آرمرسترانگ و باز آلدرین چهار روز بعد توانستند اولین انسان‌هایی باشند که بر ماه فرود آمدند. حالا در فیلمی که بازسازی شده است، ما از درجه چشم «باز آلدرین» می‌بینیم که چگونه قدم بر ماه می‌گذارند و در آن زمان ماه چگونه بوده. فیلم از سمت راست پنجره با یک تایلیم‌باز پس از ۱۶ میلی‌متری و سرعت شش فریم در ثانیه گرفته شده است. لوگو، گوگل نیز مربوط به «مایکل کالینز»، خلبان سفینه مادر، است که گزارش این فرود را به شنوندگان این رویداد مهم ارائه می‌داد. او در توصیف حال‌وهوای آن لحظات سه‌بعدی ماه را منتشر کرده است و همچنین به بازسازی فیلم لحظه فرودآمدن آپولو ۱۱ بر ماه از دید «باز آلدرین» پرداخته است. سخنان جورج کندی درباره دلایل فرود در سطح ماه نیز دوباره مورد توجه قرار گرفته است. او اشاره کرده بود که ما باید به سراغ ماه برویم نه به این خاطر که کار آسانی است، چون نیاز داریم تغییر کنیم و این کار بسیار سختی است. گوگل نیز به مناسبت این رویداد بزرگ لوگوی خود را تغییر داده است. فضاییماز آپولو ۱۱ روز ۱۶ جولای سال ۱۹۶۹ ساعت ۹:۳۲ صبح همراه با سه فضانورد به نام‌های «نیل آرمسترانگ»، «باز